عکس: مهدیه غفوریان | شهرآرا

شهربانو
ضمیمه رایگان روزنامه شهرآرا
۶۴
۸ صفحه ویژه بانوان مشهد | شماره ۳۴۴۲ روزنامه شهرآرا
۲شنبه ۰۴ ۰۵ ۱۴۰۰

گفت‌وگو با اعظم پارسا، برگزیده نهمین دوره کارآفرین برتر معاونت زنان ریاست جمهوری که به همراه دخترش سال‌هاست به کسب و کار بانوان کمک می‌کند

الگوی زندگی با مادر کوک آن با دختر

۴

دست در دست فرزند گاهی به آسمان نگاه کن

فضاهای شهری چقدر در سلامت مادران تأثیر دارند؟

۳

دخترانی که سرنوشت آب را تغییر دادند

۶

الهام یوسفی
فعال فرهنگی

آفاق

در ستایش زندگی، رودررو با مرگ

جایی در فیلمی که اسمش یادم نمی‌آید، «بدمن فیلسوف» به شکار تازه‌اش رو می کند و می گوید: «زندگی را دوست داری؟!» شکار ترسیده و مضطرب وقتی فشار لوله تفنگ را زیر گلویش حس می کند و چشمانش از اشک خیس و از ترس ملتهب است سرش را تکان می‌دهد که یعنی «بله دوست دارم!». بدمن که زل زده توی چشم‌های مردی که با مرگ اندازه یک فشار انگشت فاصله دارد، می گوید: «هرچه فاصله‌ات با مرگ کمتر بشه، بیشتر می‌فهمی زندگی رو دوست داری و حالا این رو مدیون منی.» بیش از یک سال می گذرد از روزی که مرگ در قامت ترسناک بیماری، چون روحی سرگردان، اطراف زندگی‌های پر از روزمرگی و کسالت ما می گردد. شبح مرگ زندگی ما را دگرگون کرده. هرچه هست دیگر هیچ چیز مثل سابق نیست. گاه از دور می‌بینیمش که سلاحش را گذاشته روی شقیقه‌ای و ما نمی‌دانیم شلیک خواهد کرد یا نه! اما راستش تماشاچی بودن با بازیگر صحنه بودن خیلی فرق دارد. آن بدمن فیلسوف خیلی درست می گفت. خوب که نگاه کنیم ما به مرگ با همه ترسناکی و بی‌رحمی‌اش مدیونیم، چون اگر آن اسلحه کذایی‌اش نبود، زندگی عیارش را از دست می‌داد. چیست در پس تجربه این همه نزدیکی به مرگ که آدمی را چنین شیفته زندگی می کند؟! انگار که کور باشی و بینا شوی.

کرونا غم‌انگیزترین بیماری قرن است. بیماری تنهایی و طردشدگی است. تو آن آدمی نیستی که دیگران دل‌خوشانه و غوطه‌ور در اشک به بالینت بیایند و دستت را در دست بگیرند و آخر قصه هم در آغوش کسی که دوستش داری غزل خداحافظی را بخوانی! تو مجبوری به جدایی و حتی بدنت پس از مرگ، جسدی آلوده و ترسناک است که در اوج تنهایی و غربت به خاک سپرده خواهد شد. با این اوصاف، وقت آن نرسیده که توصیف مرگ را رها کنیم و از زندگی بگوییم؟! من درست همین ۲ هفته پیش وقتی که فشار اسلحه مرگ را روی شقیقه‌ام احساس کردم فهمیدم این دوری و انزوای ناخواسته، این ۲ هفته بریدگی از هر آنچه اسمش زندگی است، می‌تواند زمان را متوقف کند، انگار حفره‌ای سیاه این تن و بدن رنجور را درون خود بکشد. «تنهایی وجودی» که در هیاهوی کار و درس و مهمانی و مشغله، وقت هم‌صحبتی با من را نداشت، از همان حفره تاریک سر برآورد و رودررو، توی چشم‌هایم زل زد و گفت: «تو نیز خواهی مرد! شاید به همین زودی و از همین درد و در تنهایی مطلق.» و این مکالمه، دردناک‌ترین مکالمه هر آدمی با خویشتن است، با خویشتنی که تلخ‌ترین واقعیت هستی ما را در تلخ‌ترین شرایط روحی و جسمی به رخمان می کشد: واقعیت مرگ خودمان را.

تجربه غریب چنین هم‌نشینی چه می‌تواند باشد برایم، جز دوست‌تر داشتن زندگی؟! حالا که جهان می‌تواند این‌چنین ترسناک و خالی باشد، دستانمان را به سمت زندگی و چیزهای ساده و کوچک و شکوهمندش دراز کنیم. این تنها راه رهایی از مرگ است: «به غایت توانایی زندگی کردن!» دوست داشتن، تماشا کردن جهان، در آغوش کشیدن همه آن‌هایی که دوستشان داریم.

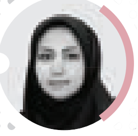
تکتم جاوید
کارشناس ارشد روانشناسی عمومی

فروغ

تجربه خوب از روزهای بد!

اگرچه زندگی در کنار کرونا به‌زور و بدون اطلاع قبلی به همه ما تحمیل شد اما بخش مثبت‌نگر ذهن باید به ما نهیب بزند که از این اتفاق ناخوشایند یک الگوی جدید و مؤثر برداریم. به بیان دیگر، اگر تمرکز خود را از روی هر ماجرای تلخ و سیاهی برداریم و به حاشیه‌ها و حوالی آن فکر کنیم، هم عبرت‌آموز می‌شود و هم دنیای دیگری پیش روی ما می گذارد.

دوستی که با خواهرها و برادرها و والدینش، در مجموع یک فامیل سی‌وچهارنفره می‌شوند، می گفت: از وقتی چشم باز کرده‌ام، اطرافم شلوغ بوده و هیچ‌وقت فکرش را نمی کردم یک هفته یا یک ماه بدون دیدن خانواده و دورهمی‌هایمان بگذرد. کرونا که شایع شد و در خانه‌مان حبس شدیم، تازه فهمیدم آن‌ها که تنها و غریب هستند چه می کشند.

آن سوی ماجرا دختری است که از دوران دانشجویی در مشهد بوده و پس از آن مشغول به کار شده و ۴ سالی است در این شهر تنها زندگی می کند. برای او پیش و پس از کرونا ندارد. قبل از آن هم تنها بود زیرا به قول خودش اهل دوست و رفیق‌بازی نیست و از خانه به اداره و از اداره به خانه برمی‌گردد.

شاید این تنها ماندن با خود، دور شدن خودخواسته از آدم‌های خیلی نزدیک و تحمل فاصله تمرینی باشد برای روزگاری که مجبور به پذیرفتن این فاصله‌ها شدیم، زمانی همچون فوت عزیزان، مهاجرت، سربازی و دوران دانشجویی بچه‌ها. از یک منظر دیگر، سالمندی خودش برای ما یک تجربه تنهایی به همراه خواهد آورد، تنهاماندن با تجربیات و خاطرات گذشته.

ذهن ما می‌تواند به‌زودی به همه اتفاقات عادت کند و خو بگیرد. برای این خوگرفتن اما باید تمرین کنید. آن‌ها که ذهنی متمرکز بر وقایع تلخ و رویدادهای ناخوشایند دارند در زمان سختی‌ها رنج بیشتری تحمل می کنند. این برداشتن تمرکز بر خود ماجرا و پرداختن به حاشیه‌ها آن را باید به فرزندان خود هم بیاموزید. زندگی ترکیبی از اتفاقات خوب و بد است و کنترل بیشتر این شرایط از توان ما خارج است. پس نشخوار فکری درباره جزئیات امری که اصلاح آن در توان ما نیست دردی را دوا نمی کند. یاد بگیرید چه‌طور در زمان‌های سخت، با تمرکز بر کارهای دیگر، اوقات خود را به‌خوبی سپری کنید و از طرف دیگر تجربه کسب کنید. شاید روزی به شهر و کشور دیگری نقل مکان کردید. آنجا پذیرفتن دوری آسان‌تر است در حالی که خیلی‌ها در آن شرایط دچار اختلالات روحی شدید می‌شوند.

میان همه جمله‌های قصاری که این روزها در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شود، یکی وصف حال امروز ماست: «روز خوب به تو شادی می‌دهد و روز بد به تو تجربه». اینکه از چه ماجرایی چه تجربه‌ای به دست آوریم در اختیار ما نیست اما وقتی اتفاقی رخ داد، با نگاه مثبت به آن بنگرید، نه فقط نگاه سرزنش گونه و تحقیرآمیز.

دست در دست فرزند گاهی به آسمان نگاه کن

فضاهای شهری چقدر در سلامت مادران تأثیر دارند؟

دکتر محدثه جزایی
دبیر انجمن علوم سیاسی شعبه خراسان

تلخی پشت تلخی! انگار روزهای تلخ، پایانی ندارد. این را اخبار زرد و سیاه این روزها نشان می‌دهند. اسب کرونا با سویه‌ها و جهش‌های گوناگون هم‌چنان می‌تازد. واکسن و بدعهدی فروشندگان و بداقبالی تولیدکنندگان نیز نتوانسته است این اسب سرکش را مهار کند. بی‌آبی و خشک‌سالی این تابستان داغ، که با قطعی برق و آب در نواحی گرم کشور همراه شده، اهالی مناطق جنوب و جنوب غرب کشور را متأثر کرده است. در چنین فضایی حس هم‌دردی ما معطوف به هم‌وطنانی می‌شود که با مشکلات بیشتری در مقایسه با خودمان دست و پنجه نرم می‌کنند. اما واقعیت این است که چرخ زندگی از حرکت نمی‌ایستد. یکی از مهم‌ترین وظیفه‌های زنان و مادران در چنین مواقع استرس‌زایی محافظت از خانواده، تلطیف فضا، ایجاد آرامش به‌ویژه برای کودکان و نوجوانانی است که هنوز برای درک بحران‌ها و رویارویی با آن‌ها آماده نیستند. از چنین چشم‌اندازی فضاهای شهری می‌توانند محیط مناسبی باشند که در مواقع بحرانی به کمک خانواده‌ها می‌شتابند تا دمی فارغ از همه خوب و بد دنیای اطراف، به خود بپردازند.

فضاهای شهری عرصه‌هایی هستند که داستان زندگی جمعی ما در آن‌ها جریان دارد. آشنایی‌ها، دیدارها، خاطره‌ها و به طور کلی تعاملات اجتماعی و مراودات فرهنگی در آن رقم می‌خورد و از این زاویه است که این فضاها می‌توانند نقش مهمی در افزایش میزان سرمایه اجتماعی در میان شهروندان داشته باشند. هم‌چنین فضاهای عمومی در شهر، بستر شکل گیری و تقویت ارتباطات اجتماعی در جهت برقراری حس امنیت و اعتماد در فضای عمومی است. از طرفی دیگر، مکانی مهم برای شکل گیری مراسم آیینی است که کمک شایانی به برقراری روابط اجتماعی و زندگی جمعی می کند. حضور مثبت زنان و دختران در کنار کودکان در چنین فضاهایی حس تعلق خاطر و روحیه تعاون و همکاری را افزایش می‌دهد و می‌تواند مکانی برای آسودن و آزادسازی فشارهای روحی و روانی در زمانه پربحران باشد که مادران را مانند سایر افراد جامعه از خود متأثر ساخته است.

مادرانگی، عنصر مهمی در یک جامعه است. به‌ویژه اگر وظایفی چون پرورش و تربیت فرزندان بر عهده مادر قرار گرفته باشد. با این همه، ایفای این نقش با توجه به دشواری‌های امروزه زندگی، نمی‌تواند محدود و معطوف به چهاردیواری خانه‌ها باشد. یکی از مهم‌ترین وظایف سیاست گذاران شهری این است که فضای مناسبی برای ایفای نقش مادرانگی فراهم آورند، درست به این معنا که طرح‌ها و برنامه‌های شهری متناسب با تقدم و اولویت بهره‌مندی مادران وکودکان از فضاهای شهری در یک محیط امن و مفرح باشد.

نکته مهم آن است که به خاطر داشته باشیم اگرچه مادری در جامعه ما با مفاهیم ارزشمندی چون ایثار و فداکاری گره خورده است، این به معنای این نیست که مادران «باید» و «حتما» بین تأمین نیازهای فرزندان و خانواده و دنبال کردن علاقه‌های شخصی خود اولویت گذاری کنند. به نظر نمی‌رسد تعارضی میان حضور مؤثر در خانواده و توجه به علایق خویش برای زنان وجود داشته باشد، چنان که نمونه‌های بسیاری از زنان موفق وجود دارند که دنبال کردن علایق شخصی آن‌ها به اعتلای خانواده و ایجاد انگیزه در فرزندان ایشان منجر شده است. بر همین اساس باید این قالب نادرست را که در آن مادر نیازها و علایق خود را فدای اولویت‌بخشی به تأمین نیازهای فرزندان می کند به فراموشی سپرد. در یک خانواده سالم، زنان خانواده به‌ویژه مادر مانند سایر اعضای خانواده دارای نیازها و علایقی هستند که تأمین آن‌ها به طور مستقیم بر کیفیت زندگی همه اعضای خانواده اثر می گذارد. شاید در تلاش برای اصلاح چنین کلیشه‌های نادرستی که در آن تصویر یک انسان آرمانی را در جایگاه مادر نشانده است، بتوان به شکوفایی استعدادها و توانمندی‌های زنان، که جامعه امروز به آن به‌شدت نیازمند است، چشم امید داشت.

با درنظر گرفتن چنین صلاح‌دیدهایی است که فضاهای شهری روزبه‌روز درهای خود را به روی زنان و مادران گشوده‌تر کرده‌اند. فضای کوچک خانه‌های امروزی و بمباران خبری که با پیشرفت فناوری حاصل شده است، نیاز به گذراندن فراغت را بیش از پیش ضروری ساخته است. همه‌گیری کرونا و ایجاد محدودیت‌های رفت‌وآمد برای سفر به‌ویژه در فصل تابستان که به صورت سنتی زمان مناسب برای مسافرت در کشور ما بوده، مزید بر علت شده و بر اهمیت فضاهای شهری افروده است. در حقیقت، افزایش تعداد فضاهای مختص زنان با عناوین پارک‌های بانوان و هم‌چنین فضاهای گسترده‌تر تفریحی مانند کوهشار، زیست‌پارک، پارک کودک و مادر و ... می‌تواند مأمن و ایستگاهی برای گریز از بحران‌های ریز و درشتی باشد که سلامت روان همه افراد جامعه را تهدید می کند.

به‌جز ایجاد تعامل‌های اجتماعی و بسترسازی برای مراودات فردی و گروهی، فضاهای شهری می‌توانند تأمین کننده بخش عمده‌ای از نیازهای شهروندان به‌ویژه زنان و دختران باشند. اینکه از امکانات موجود چه‌گونه بیشترین بهره را ببریم مسئله‌ای است که به سیاست گذاران شهری برمی گردد. به نظر می‌رسد در سال‌های گذشته گام‌های مؤثری در این مسیر برداشته شده است، ولی هم‌چنان فاصله بسیاری تا تأمین خواست‌ها و نیازهای زنان و دختران وجود دارد. برای نمونه، فرهنگ‌سراها و پارک‌های بانوان، تنها مکان‌هایی برای حضور شهروندان و زنان هستند بدون آنکه به چه‌گونگی گذران زمان زنان در این فضاها اندیشیده شده باشد. تعبیه فضاهایی برای گفت‌وگو، آموزش، یادگیری و ورزش‌های مفرح و هیجان‌انگیز هم‌چنان در این فضاها خالی است.

به طور خلاصه، فضاهای شهری در هر شکل و شمایل، بر سلامت روح و روان و روحیه شهروندان اثرگذارند. مادران به‌عنوان تربیت کنندگان نسل بعدی نه‌تنها باید به بهداشت روان خود اهمیت دهند بلکه باید کودکان و فرزندان خود را برای حضور در جامعه آماده سازند. تفرجگاه‌ها و فضاهای شهری مکان‌هایی هستند که می‌توانند از طریق ایجاد شرایط لازم به محیطی ایده‌ال برای فراغت و آموزش تبدیل شوند. در زمانه‌ای که بحران‌های گوناگون از همه‌سو ما را محاصره کرده‌اند، سلامت روان زنان و مادران از مؤلفه‌های مهم زیست شهری ماست و از طریق توجه به فضاهای شهری می‌توان به ایجاد وضعیتی بهتر برای همه شهروندان به‌ویژه زنان و مادران کمک کرد.

یکی از مهم‌ترین وظایف سیاست گذاران شهری این است که فضای مناسبی برای ایفای نقش مادرانگی فراهم آورند، درست به این معنا که طرح‌ها و برنامه‌های شهری متناسب با تقدم و اولویت بهره‌مندی مادران وکودکان از فضاهای شهری در یک محیط امن و مفرح باشد

صدف

عکس: مهدیه غفوریان| شهرآرا

گفت‌وگو با اعظم پارسا، برگزیده نهمین دوره کارآفرین برتر معاونت زنان ریاست جمهوری که به همراه دخترش سال‌هاست به کسب‌و‌کار بانوان کمک می‌کند

الگوی زندگی با مادر، کوک آن با دختر

سعیده آل ابراهیم

روح و جسمش بیش از ۳۰ سال است با این هنر عجین شده است. دیگر چشم‌بسته هم می‌تواند خیاطی کند. از همان کودکی که می‌بیند مادربزرگش طوری پارچه‌ها را به تن‌پوشی شیک تبدیل می‌کند که چشم از دیدن آن‌ها سیر نمی‌شود، تصمیم بزرگ زندگی‌اش را می‌گیرد. می‌فهمد هنر همان چیزی است که دنبال آن می‌گردد. به همین دلیل، از یازده‌سالگی شروع به خیاطی می‌کند. البته او بعد از آن هیچ‌وقت به آموزش سنتی‌ای که به صورت تجربی یاد گرفته بود اکتفا نکرد و برای به دست آوردن آموزش‌های جدید، کشور به کشور گشت. اعظم پارسا از کسانی است که پوشش ایرانی اسلامی را ترویج می‌کند و اکنون علاوه بر اینکه آموزشگاهی به راه انداخته است تا تجربه‌های هنری خود را به زنان دیگر منتقل کند، در سال جاری، کارآفرین برتر کشوری نیز شناخته شده است چون همه زنانی که هنرجوی او بوده‌اند، یا به صورت رسمی جواز دریافت کرده‌اند و مشغول کار هستند یا در حوزه مشاغل خانگی فعالیت می‌کنند.

روایت اول

کارآفرینی در حوزه مد و لباس ریسک است

هنر خیاطی یکی از قدیم‌ترین هنرهایی است که بشر با آن آشنا شده است. در آغاز، لباس تنها برای پوشش و حفاظتی از سرما و گرما بود، اما به مرور، اهمیت لباس در وضع ظاهری‌مان نقش خود را هویدا کرد و اینجا بود که هنر خیاط و مهارت کار دست برایمان بیشتر ثابت شد. همین موضوع موجب شد افراد بسیاری به سراغ این هنر بروند، اما تنها کسانی در آن موفق می‌شدند که خلاقیت را چاشنی کارشان می‌کردند. پارسا کارآفرینی در حوزه مد و لباس را کاری سخت و به نوعی ریسک می‌داند زیرا سلیقه‌ها متفاوت است. با توسعه جامعه، خواسته‌ها از این صنعت نیز فراتر می‌رود و کارآفرین‌ها در این حوزه باید طوری لباس‌ها را طراحی کنند که همه را از خودشان راضی نگه دارند.

مادربزرگ پارسا در گذشته به صورت تجربی، بدون الگو و با امکانات کم لباس طراحی می‌کرد و می‌دوخت. او به جای بازی و شیطنت، ترجیح می‌داد کنار دست مادربزرگ بنشیند و کار یاد بگیرد. آن سال‌ها، گذراندن رشته هنری در مراکز فنی و حرفه‌ای و کار و دانش چهره خوبی نداشت و خانواده‌ها فکر می‌کردند بچه‌ها برای موفقیت در کار و زندگی باید رشته‌های تجربی و ریاضی بخوانند. «من هم به تبع آن سال‌ها رشته ریاضی را انتخاب کردم. البته به مجهولات علاقه‌مند بودم، اما چندان نگذشت که تصمیم گرفتم رشته هنر و طراحی دوخت را ادامه بدهم و واحدهایم را تطبیق زدم. آن موقع دید مردم بسته بود و فکر می‌کردند زن باید خانه‌داری کند و حتی درس نخواند، اما با اینکه در سن دوازده‌سالگی ازدواج کردم، خوشبختانه همسرم از من حمایت می‌کرد و با وجود بارداری و بچه‌داری، درس را ترک نکردم.»

آموزشگاه مشترک مادر و دختر

او از زمانی که کرونا شایع شده است، کلاس‌ها را با تعداد نفرات کمتری برگزار می‌کند. اکنون حوالی ظهر است و هنوز هنرجویان سر کلاس‌های خود حاضرند. در همان ابتدای ورود به آموزشگاه، لباس عروسی و نامزدی به تن مانکن‌ها شده، مانتوهای دوخته‌شده روی رگال قرار گرفته است و یک میز مستطیل‌شکل پر از کارهای سوزن‌دوزی، منجوق‌بافت، نقاشی روی پارچه و... است. یک طرف آموزشگاه، چرخ‌های خیاطی سفید آماده دوخت پارچه‌های رنگی است و در طرف دیگر، منجوق و مادام‌های ریز در دست‌های زنان روی پارچه‌ها دوخته می‌شود.

سال‌هاست که اعظم پارسا و دخترش با هم در آموزشگاه خودشان مربی هستند. تدریس خیاطی با مادر است و سوزن‌دوزی و همه هنرهای زیرمجموعه آن را دخترش به هنرجویان آموزش می‌دهد. نکته جالب آموزشگاه آن‌ها هم همین است زیرا هرچه بیشتر پیش می‌رویم، خانواده‌های معدودی در یک شغل با هم مشغول به کار می‌شوند. دلیل آن هم اختلاف نظری است که بسیاری از اوقات، نسبت فامیلی و خونی را هم کم‌رنگ می‌کند، اما آن‌ها از همان ابتدا که کار را در خانه‌شان شروع می‌کنند تا امروز که در آموزشگاهی مستقل هستند، باز هم کنار هم مشغول به کارند و دلگرمی‌شان به حضور یکدیگر ملموس است.

چرخ خیاطی‌ای که برای جهیزیه پارسا بود، حالا گوشه‌ای از این آموزشگاه قرار گرفته است و خاطرات سال‌ها دوخت و دوز را برایش زنده می‌کند. برای تولیدات نمایشگاهی حدود ۲۰ خانم سرپرست خانوار به صورت ثابت با این مجموعه کار می‌کنند. جدا از این، به گفته پارسا، حدود ۹۵ درصد از بانوان هنرجو، بعد از یادگیری به صورت مستقل کار می‌کنند و حتی کارآفرین می‌شوند.

او و دخترش تاکنون کارگاه‌های آموزشی رایگانی

در مکان‌های مختلف و حتی خیریه برگزار کرده‌اند که این موارد جزو کارهای خیرخواهانه آن‌هاست. «به مناسبت‌های مختلف در آموزشگاه، تدریس رایگان انجام می‌دهیم. حتی مواردی بوده است که در جشنواره، دخترم روبان‌دوزی مدرن و من دوخت چادر اسلامی را آموزش داده‌ام. خوشبختانه برخی خانم‌ها از طریق همین آموزش‌های رایگان توانسته‌اند برای خود منبع درآمدی داشته باشند.»

در نوجوانی لباس طراحی می‌کردم

مادر پارسا خانه‌دار بود و برعکس هیچ علاقه‌ای به هنر نداشت و همسرش هم مشغول به کار آزاد بود. از میان ۸ خواهر و برادر ، تنها او بود که جذب هنر مادربزرگ می‌شود. بعد از یادگیری، به مرور با بازار کار می کند و برای خود درآمد مستقل به دست می‌آورد. «زمانی که نوعروس بودم، با اینکه درس می خواندم، باز هم وقت اضافه داشتم. به همین دلیل، لباس بچگانه طراحی می کردم و با بازار برای فروش آن‌ها در ارتباط بودم.»

او از استادان مختلف آموزش می گرفت، اما باز هم برای آموزش، علاوه بر داخل، به خارج از کشور هم می‌رفت، از سوریه و لبنان گرفته تا دبی، ترکیه و عمان. «من مدرک فنی و حرفه‌ای و دیپلم طراحی دوخت را داشتم، اما برای من همه‌چیز مدرک نبود و انتظاراتم بیش از این بود. به همین دلیل، پیش ۳۸ استاد ایرانی و خارجی آموزش دیدم تا بتوانم دوخت را تا حد امکان بدون نقص از کار دربیاورم.»

حمایت خانواده نتیجه‌بخش بود

زمانی که از حمایت همسر و خانواده‌اش صحبت می کند، منظورش این نیست که در یک ماه شاید یکی دو روز نمی‌توانسته است که به امور خانه رسیدگی کند، بلکه ممکن بود در هر ماه به دوره‌های پانزده یا بیست‌روزه برای یادگیری برود. به یاد دارد که پسرش هشت‌ماهه بود که او برای گذراندن دوره‌هایش می‌رفت. «در این مدت، دخترم از پسرم نگهداری و مراقبت می کرد، آن‌قدر که همیشه به پسرم می گویم خواهرت حق مادری به گردن تو دارد! من تا اندازه‌ای که در توانم بود، سعی می کردم به کارهای خانه و بچه‌ها رسیدگی کنم و چیزی کم نگذارم، اما حمایت آن‌ها چندان نتیجه‌بخش بود.»

اعظم پارسا از همان ابتدا حوزه پردردسر آموزش را انتخاب می کند و هیچ‌وقت دوست نداشته دانشی را که دارد راکد و نزد خود نگه دارد. به همین دلیل، از همان سال ۸۱ که دوره‌های مختلف خیاطی را در خارج از کشور می‌دید، یک طبقه از منزلش را نیز به آموزش اختصاص داده بود. «آن زمان، هدفم آموزش رسمی نبود. به همین دلیل، آموزشگاه نداشتم، اما بابت این موضوع خیلی سنگ جلو پای من انداختند که آموزش غیررسمی می‌دهم. از سال ۹۶ از طریق وزارت ارشاد برای آموزش مجوز گرفتم.»

فوت کوزه‌گری را به هنرجویانم یاد می‌دهم

او مدرک کارشناسی ارشد مد و لباس از یکی از دانشگاه‌های ترکیه و دکتری مدیریت کسب‌وکار دارد. اگر در کلاسی احساس کند که هنرجو عقب مانده است، تعداد جلسات را زیاد می کند و در گیر و دار هزینه آن هم نیست. «همیشه به این موضوع باور داشته‌ام که اگر می‌خواهم موفق باشم، باید درست و با راست‌گویی کار کنم، و به‌اصطلاح فوت کوزه‌گری کار را هم به آن‌ها یاد می‌دهم زیرا همین هنرجویان هستند که قرار است این راه را ادامه بدهند.»

او در سال جاری کارآفرین برتر کشوری شناخته شده است. هم‌چنین در سال ۹۶ در زمینه طراحی دوخت، نفر دوم می‌شود. در حوزه مجموعه خانواده در جشنواره فجر که به صورت بین‌المللی برگزار می‌شود، نفر اول می‌شود. ضمن اینکه ۳ دوره است که مسئولیت برگزاری نمایشگاه عفاف و حجاب را برعهده دارد. «هدفم از کارآفرینی بیشتر این بوده است که زنان سرپرست خانوار بتوانند کار کنند، مستقل باشند و در نتیجه از آسیب‌های اجتماعی دور شوند. خوشبختانه مواردی بوده است که اوضاع مالی‌شان بعد از یادگیری و شروع به کار از این رو به آن رو شده است که بابت آن حس خیلی خوبی دارم. حتی گاهی می‌شود که بدون دریافت هزینه به آن‌ها آموزش می‌دهم.»

افراد پیرو مد شده‌اند حتی بی چون و چرا

او معتقد است: در دنیای امروز بیشتر زنان بی چون و چرا از مد پیروی می کنند و منتظر می‌مانند ببینند که سلبریتی‌ها چه می‌پوشند و خیلی سریع همان مدل را به خیاط سفارش می‌دهند. دیگر به این کار ندارند که این طرح لباس برای اندام آن‌ها مناسب است یا خیر. « بعضی از شهرها مانند مشهد که شهرهایی زیارتی محسوب می‌شوند و بار معنوی بیشتری دارند، باید از نظر پوشش هم وضعیت مناسب‌تری داشته باشند. ما به کارگروه‌های ویژه‌ای در این زمینه احتیاج داریم.»

تلفیق سنت و مدرنیته در طراحی لباس

زمینه فعالیت اعظم پارسا، مانتوهای ایرانی- اسلامی است تزیینات و دست‌دوزی‌ها ضمن حفظ پوشش اهمیت دارند. یکی از ابتکارات او در کار این است که درباره دوخت‌های سنتی قدیم تحقیق می کند و از طریق تلفیق این هنرهای سنتی با سبک مدرن، سبک جدیدی از لباس را وارد بازار می کند. «در دنیای امروز باید سنت با مدرنیته ترکیب شود تا سبکی جدید به وجود بیاید تا علاوه بر اینکه برای بانوان جذابیت لازم را داشته باشد، به پوشش سنتی خود افتخار کنند. برای نمونه، یک مدل دوخت که مربوط به کلات است و فقط در همان منطقه چند نفر هنوز از آن خبردار هستند، در حال منسوخ شدن است. ما این سبک‌ها را بازیابی می کنیم و به صورتی به بازار عرضه می کنیم که از سلیقه یک نوجوان چهارده‌ساله تا خانمی هفتادساله را در بر بگیرد.»

لزوم برگزاری نمایشگاه‌های مد و لباس اسلامی

او بر این باور است که باید بیش از این‌ها به صنعت مد و لباس اهمیت داده شود و نمایشگاه‌ها پیوسته در طول سال برگزار شوند. «لباس‌های ایرانی و اسلامی آن‌طور که باید و شاید دیده نمی‌شوند. زمانی هم که تبلیغی برای لباس در کار نباشد، زنان چه‌طور می‌توانند آن را انتخاب کنند و بپوشند. در صورتی که اگر اجازه برگزاری نمایشگاه‌های اسلامی با پوشش کامل مختص بانوان داده شود، به طور قطع در حوزه مد و لباس، خیلی طراح جوان، فعال و خوش‌ذوق داریم که می‌توانند طرح‌هایشان را به نمایش بگذارند. حتی ما از واژه مد استفاده می کنیم، در حالی که واژه‌ای فرانسوی است، اما جایگرینی برای آن نداریم و ناچار به استفاده هستیم.»

اولویت کاری‌ام آموزش است نه فروش

او برند خود را از سال ۹۵ به ثبت می‌رساند و تاکنون در حدود ۱۷ نمایشگاه خارجی و تقریبا همه نمایشگاه‌های داخلی را شرکت کرده است. هدف او صادرات هم هست، اما به اندازه‌ای بر حوزه آموزش تمرکز می کند که فعلا به آن سطح نرسیده‌اند. «حوزه آموزش پردرسر است و شاید اگر به جای این حوزه، بیشتر به فکر فروش محصولات بودم، درآمد بیشتری داشتم، اما علاقه شخصی‌ام به آموزش است. به همین دلیل، تا به حال در حوزه‌های دیگر به این اندازه فعال نبوده‌ام. آموزش دوخت لباس زنانه، بچگانه و پوشش اسلامی مانند چادر را داشته‌ایم. به‌تازگی آموزش دوخت پوشاک مردانه را هم شروع کرده‌ایم و به‌زودی تولید این پوشاک را هم انجام می‌دهیم. هم‌اکنون، فروش از طریق نمایشگاه‌ها، سایت و صفحه‌مان در فضای مجازی است، اما برای توسعه کار در نظر دارم که فروشگاهی راه بیندازیم.»

او معتقد است: هنر نیازمند عشق است و بر خلاف تصور قدیمی‌ها، کسانی که به سمت هنر می‌روند، باهوش هستند زیرا برای پیشبرد هنر باید خلاقیت به خرج بدهند. «دانشگاه‌ها و مراکزی از من دعوت به همکاری کرده‌اند، اما تدریس در آموزشگاه خودم را ترجیح می دهم زیرا می توانم با همین شیوه خودم به آموزش بپردازم. برای گسترش کار می خواهیم فروشگاه بزنیم، ضمن اینکه از استانداری به ما پیشنهاد شده است که شرکت تعاونی ثبت کنیم. اگر این اتفاق بیفتد، ما هنرجویان زیادی داشته‌ایم که کارآفرین شده‌اند و می توانیم اجناس آن‌ها را در کنار کارهای خودمان بفروشیم.»

بعضی از شهرها مانند مشهد که شهرهایی زیارتی محسوب می‌شوند و بار معنوی بیشتری دارند، باید از نظر پوشش هم‌وضعیت مناسب‌تری داشته باشند. ما به کارگروه‌های ویژه‌ای در این زمینه احتیاج داریم

روایت دوم

از نوجوانی در کنار مادرم آموزش می‌دادم

الهام پارسا در مقطع ارشد مدیریت کسب‌وکار تحصیل می کند. او از کودکی مادرش را پای چرخ خیاطی و دوخت و دوز می‌دید و به این هنر علاقه‌مند شد. در عالم کودکی برای عروسک‌هایش لباس می‌دوخت و روی آن را تزیین می کرد یا دستبند برایشان درست می کرد. جالب اینجاست که با اینکه مادرش مربی قابلی در حوزه خیاطی بوده است و هست، او علاقه‌ای به خیاطی ندارد و ترجیح می‌دهد بعد از اینکه لباس آماده شد، هنر کار دست را روی آن به نمایش بگذارد. به واسطه همین علاقه، در همان سال‌ها به آموزشگاه‌های مختلفی می‌رفت تا کار را بهتر یاد بگیرد.

برگزیده سومین جشنواره ردای گوهرشاد

او در حوزه صنایع دستی مشغول به کار است. علاوه بر تزیینات لباس، در حوزه نقاشی و کچه‌دوزی نیز دستی دارد و حتی در سومین جشنواره ردای گوهرشاد مقام دوم را کسب کرده است. «با اینکه نوجوان بودم، طراحی تخصصی لباس را کامل یاد گرفته بودم، اما به دلیل اینکه سن کمی داشتم، به من مدرک مربیگری نمی‌دادند. وقتی هنرجوهای مادرم می‌آمدند یا برای کسی لباس می‌دوختیم و می‌دیدند که تزیینات لباس را انجام می‌دهم، کم‌کم دخترانشان را برای آموزش پیش من می‌آوردند.»

او حالا روزهای سی‌سالگی‌اش را سپری می کند و هنر ظریفی را هم انتخاب کرده است. ۱۲ سالی می‌شود که سابقه تدریس از دل خانه تا آموزشگاه را دارد. از بیست‌ودوسالگی نیز کارت مربیگری فنی و حرفه‌ای را می گیرد و ۲ دوره نیز در این سازمان برای هنرجویان تدریس می کند، اما هم‌اکنون تنها در همین آموزشگاه تدریس دارد. «به یاد دارم که ۱۵ سال پیش خودم کار دست روی لباس عروسم را انجام دادم. وقتی که در خانه آموزش می‌دادم، متوجه شدم به این کار علاقه دارم. به همین دلیل، مانند مادرم در تهران و ترکیه آموزش دیدم. حالا سوزن‌دوزی، رومیزی، سجاده، نقاشی روی پارچه، منجق‌بافت، گل‌دوزی برزیلی و ... را آموزش می‌دهم.»

کارهایم را با آزمون و خطا همراه کردم

الهام هم مانند مادرش به نکاتی که در آموزش‌ها فرامی گرفت قانع نمی‌شد و به گفته خودش، ۷۰ درصد کارهایش به این صورت خلق شده است که با کنجکاوی روی آن‌ها آزمون و خطا کرده است تا کار خاصی از آب دربیاید. «با همه سختی‌هایی که این کار دارد، از انتخابم راضی هستم. گاهی ممکن است برای یک کار بیدارخوابی هم بکشم. ضمن اینکه مشغله زندگی و تربیت فرزندانم را هم دارم، اما کارم را انجام می‌دهم زیرا علاقه‌مندم.»

او معتقد است: هرچه بیشتر می گذرد زنان به تزیین و آراستگی لباس و پوشش خود بیشتر اهمیت می‌دهند و حتی اگر چادری باشند، سعی می کنند چادر آن‌ها طراحی خوبی داشته باشند. «برخی زنان کارهای سنتی را می‌پسندند و می‌خواهند از نگین و سنگ‌های برق‌دار در لباسشان استفاده شود، اما بیشتر جوانان تزیین‌های مات مانند نقاشی روی پارچه را انتخاب می کنند.»

مـادر؛ مسئول اصلاح رفتار خانواده با محیط زیست

دکتر مهتاب علی‌نژاد
جامعه شناس

هنگامه

یک کارگروه آموزشـی برای مادران تشـکیل شـده اسـت تـا بـه آنان بیاموزند با تفکیـک زباله در منزل، عـادت دادن کودکان بـه انداختن زباله در سـطل‌های تعبیه‌شـده در خیابان‌ها، نشکسـتن شـاخه‌های درختان و نهال‌های معابر، آب دادن به گیاهان و کاشـتن درخت در روز درخـت‌کاری، فرهنـگ «شـهر من خانه من» و احترام به محیط زیست را برای اعضای خانواده درونی کنند. تقریبا همه جمله‌های کلیشـه‌ای و معمول درباره اهمیت محیط زیست و توجه به منابـع طبیعی برای بقای انسـان و مهربان بودن با طبیعت به صورت فشرده در ۲ سـاعت جلسـه آموزشـی مطـرح می‌شـود. پس از پایان جلسـه، یکی از مادران برای گذاشتن وسایلش درون خودرو، در آن را باز می‌کند. آنچه کف اتومبیل می‌بینـم بطری‌هـای خالـی آب، دسـتمال‌های مچاله‌شـده، کاغذ یادداشت و زباله چیپس است و آنجا بیشتر به یک سـطل زباله شباهت دارد. با خـودم می‌اندیشـم آیا این مادر می‌تواند مربی مناسـبی برای فرزندش باشـد! یک مثـل قدیمی می‌گویـد: رطب‌خـورده منع رطب چون کند؟! این مشاهده در میدان، من را بـه یاد فیلم یـک کوهنورد در فضای مجـازی انداخـت که ضمن پاک‌سـازی یـک پناهگاه بـه انبوه زباله‌های موجود در آنجا که بیشـتر شامل پلاسـتیک بطری‌های خالی و زباله بسته چیپس و تنقلات است اشـاره می‌کنـد، زباله‌هایـی که ۲ گونـی بزرگ را پـر می‌کنـد و هنوز هم باقـی اسـت. آیـا کوهنوردانی که بایـد مصداق روشـن حمایت از طبیعت باشـند نمی‌داننـد زباله را نباید در پناهگاه رهـا کرد یا مردمی کـه از رودخانه و ییلاقـات بهره‌مند می‌شـوند، نمی‌داننـد حفـظ این طبیعت بـه عملکـرد آنان وابسـته است؟ چه می‌شـود که برخی افراد با محیط زیسـت خود اعم از محیط شـهری و محیـط طبیعـی رفتاری خردمندانـه و تضمین‌کننـده بقا ندارنـد؟ درونـی نشـدن ضرورت محافظت فـردی از محیـط و توجه سطحی به مسـئله تعامل با محیط سـبب شـده اسـت محافظـت از محیط بـه عـادت رفتـاری تبدیل نشـود. شـاید شـما هم با افرادی روبه‌رو شده باشید که وقتی در یک محیط تردد می‌کنند، به آن واکنش نشـان می‌دهند: مثـلا چراغ‌های روشـن‌مانده را خاموش می‌کنند یا شیلنگ آب رهاشده در آسفالت را به چمن برمی‌گردانند، برای آب دادن به باغچه‌شان شیوه آبیاری قطره‌ای را پیاده می‌کنند، به طور خودجوش به پاک‌سـازی طبیعت از زباله‌های انسانی همت می‌کنند، و حواسشان به کاهش اتلاف انرژی و پاسداری از طبیعت هسـت. این رفتار مثبت با محیط با توجهی کـه والدین به این امور داشـته‌اند برای آنان از کودکی درونی شده است یا در بزرگ‌سالی با آگاهـی یافتن از اهمیـت تبادل مثبت با محیط، حساسیت به رفتار خردمندانـه در برابـر انرژی‌هایـی مانند بـرق و آب و محافظت طبیعت مانند پاک‌سـازی از زباله را در خود افزایش داده‌اند. می‌توانیم از فرزند پدری که خـودروش را بـا آب شرب یا مادری کـه حیاط را بـا آب شرب می‌شـوید یا به جـای اسـتفاده از جارو بـرای تمیز کـردن زباله‌ها، از فشار آب اسـتفاده می‌کند و حیاط و پیـاده‌رو جلـو خانه را می‌شـوید انتظار داشته باشـیم با آب رفتاری خردمندانه داشته باشد؟ از مادری کـه در خـودرو، ظرفی بـرای زباله ندارد و زباله‌ها کف خودرو رهاست انتظار داشته باشـیم پس از خروج از جلسـه آموزشـی کوتاهی درباره محیط زیسـت، بتواند بـه فرزندش بیامـوزد زباله‌هایش در محیط‌های شهری یا طبیعی را جمع‌آوری کند.

نیاز به راهکار بلندمدت در آموزش

ما با فرهنگی نامأنوس با محیط زیسـت رشـد یافته‌ایم و در کتاب‌های آموزشـی نسل‌هایی که اکنون والدینی جوان هستند، سخنی از شناخت طبیعت و روش‌های زندگی مسـالمت‌آمیز با انرژی‌های طبیعی نبوده اسـت. درونی نشدن ضرورت توجه به محیط زیسـت و بهره‌برداری ناصحیح از طبیعت و مصرف‌گرایی بی‌رویه محصولات انسانی اگرچه در نخستین مرحله متوجه سرمایه‌داری و ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی برای بقای سرمایه‌داری است، نمی‌توان کم‌کاری نهادهای آموزشی و سیاست‌گذاران فرهنگی در میدان نظام مدیریتی جامعه و غفلت مادران و پدران به‌ویژه مادران را در سیستم دانش‌افزایی فردی نادیده گرفت. هرچند در مطالبه‌گری برای سـوق دادن سیاسـت‌گذاران جامعه به ضرورت توجه به محیط زیسـت به شکیبایی و راهکاری بلندمدت نیاز است، در عرصه دانش‌افزایی والدین و افزایش حساسیت نظری به محیط زیست، امکان مانور بیشتر و نتیجه‌بخشی در کوتاه‌مدت وجود دارد. ضرورت است هر مادر متعهدی که مسئولیت یک خانواده و فرزندپروری را بر عهده گرفته است در اصلاح رفتار خود با محیط زیست کوشا شود، از موارد ریز و کوچک در زندگی فردی خودش آغاز کند.

هر مادر، یک سفیر

اگر هر مادر یک سفیر اصلاحات رفتار عملی با محیط زیست در زندگی خانواده خود باشد گام سازنده و مؤثری خواهد بود. محیط زیست ابعاد وسیع و حوزه‌های مختلفی دارد از مصرف انرژی گرفته تا حفاظت از فضای سبز و خاک، از گلدان و باغچه خانه و شهر تا لایه ازون، اما در همه موارد، مهم این است که عمل‌گرایی جایگزین منفعل بودن شود. از گام‌های کوچک آغاز کنید، از محیط خانه، و هنگامی که برای خودتان درونی شد، برای فرزندتان نیز عادت می‌شـود. در گام‌های اولیه از آرمان‌گرایی‌های گسترده دسـت بردارید زیرا سنگ بزرگ نه همیشه اما بیشتر علامت نزدن است. به اصلاحات کوچک در رفتارتان بسنده کنید. دقت کنید اثری که از خود بر محیط اطراف می‌گذارید، از اماکن عمومی شهری گرفته تا طبیعت، اثر زباله یا تخریب نباشد. نگاه خردمندانه به مصرف انرژی، محیط و طبیعت می‌تواند چراغ راه باشد. روزگاری را تصور کنید که هر مادر علاوه بر آنکه خود با محیط زیستش رفتاری بهنجار و مثبت دارد، ناظر رفتار صحیح با محیط زیست از سوی فرزندانش باشد. رفتار خردمندانه با محیط را از خانه و اتومبیل خود آغاز کنید و در کوچه و خیابان و طبیعت گسترش دهید. از سطح ساده واکنش به رهاسازی زباله آغاز کنید و به سطح پیچیده تلاش برای حفاظت از کره زمین برای نسل‌های آینده گسترش دهید.

(نسیم)

ریحانه صادقی
مترجم

دخترانی که سرنوشت آب را تغییر دادند

شکی در این نیست که آب سالم و تمیز از ضرورت‌های زندگی است، اما دسترسی به این مایع زندگی‌بخش برای بخش بزرگی از مردم ساکن کره زمین مقدور نیست. وظیفه فراهم کردن آب برای خانواده از دوره نخستین حیات بشری بر عهده زنان بوده است. شاید به همین دلیل است که زنان در جای‌جای جهان برای احقاق این حق اولیه زندگی در تلاش هستند. بیایید با چند نمونه از این زنان آشنا شویم.

دختر چهارده‌ساله مسیری نو پدید آورد

استلا باولز وقتی چهارده‌ساله بود، مجبور به آزمایش نمونه‌های آبی متعلق به رود لاهیو در نزدیکی محل سکونتش برای پروژه کلاسی درس علوم شد. استلا در شهر نوااسکوشیا، کانادا، زندگی می کند که شنا در رودش از طرف سازمان‌های زیست‌محیطی خطرناک اعلام شده بود. استلا نیز پس از آزمایش متوجه وجود ذرات مدفوع در آب این رود شد. او نمی‌توانست درک کند چرا لوله‌های فاضلاب برای دفع فاضلاب توالت‌های خانگی مستقیم به مسیرهای آبی استفاده می‌ریزند. استلا نتایج آزمایش خود را در فیس‌بوک منتشر کرد و در اطراف رود نیز تابلوهایی قرار داد تا درباره وضعیت آن به مردم محلی آگاهی‌رسانی شود. تلاش‌های او سرانجام توجه‌ها را در سطح ملی به فعالیت‌هایش جلب کرد و به تخصیص ۱۵/۷ میلیون دلار بودجه از طرف دولت برای پاک‌سازی رود لاهیو منجر شد.

شاهدخت آب

جورجی بادیل، اهل بورکینافاسو، در مصاحبه خود با مجله فوربز گفت وقتی خیلی سن کمی داشته مجبور بوده است هر روز ۳ ساعت سطل به‌دست همراه مادر و مادربزرگ و دختران فامیلش پیاده‌روی کند تا به نزدیک‌ترین چاه به روستایشان برسد و بتواند آب آشامیدنی سالم با خود به خانه ببرد. او گفت وقتی می بیند خواهر باردارش هم با فرزندی که در شکم دارد مجبور است در میانه شب از خواب برخیزد و همراه آن‌ها به دنبال آب برود تصمیم می گیرد کاری برای بهبود این وضعیت انجام دهد. او که در پانزده‌سالگی مدلینگ را برای تأمین هزینه تحصیلش آغاز کرده بود، تصمیم گرفت با استفاده از جایگاه اجتماعی و شهرت خود، دینش را به مردم کشورش ادا کند.
بادیل سرانجام در سال ۲۰۱۵ و پس از چند بار تلاش نافرجام برای ساختن چاهی در نزدیکی روستای مادری‌اش، «بنیاد جورجی بادیل» را تأسیس کرد. او تا کنون موفق شده است از طریق این بنیاد و با احداث چندین فقره چاه در جوامع محلی در بورکینافاسو، دسترسی به آب را برای بیش از ۱۰۰ هزار نفر امکان‌پذیر سازد. در سال ۲۰۱۶، بادیل در تألیف یک کتاب آموزشی برای کودکان با عنوان «شاه‌دخت آب» نیز همکاری داشت. این کتاب درباره تجربه شخصی بادیل در دوران کودکی و نوجوانی و بزرگ شدن بدون دسترسی به آب آشامیدنی سالم نوشته شده است.
بادیل در مصاحبه خود با مجله فوربز هم‌چنین گفت: اکنون بزرگ‌ترین رؤیای من این است که دسترسی به آب سالم را برای همه مردم کشورم، بورکینافاسو، فراهم آورم.

جنبش طلوع از کابوس تا نجات

وارشینی پراکاش، خود، متولد و بزرگ‌شده بوستون است اما پدربزرگ و مادربزرگش اهل چنای هندوستان بوده‌اند. در سال ۲۰۱۵ بارندگی زیاد سبب وقوع سیلی عظیم در چنای شد. سیل وقتی در کنار تغییرات اقلیمی قرار گیرد، دسترسی به آب را به پدیده‌ای پیش‌بینی‌ناپذیر بدل می کند. این اتفاق موجب شد پراکاش که در آن زمان هنوز دانشجوی لیسانس دانشگاه ماساچوست در امهرست بود، تصمیم بگیرد به جنبش تغییرات اقلیم بپیوندد.
او در سخنرانی خود در راهپیمایی اعتراضی برای تغییرات اقلیمی که در سال ۲۰۱۸ در واشنگتن دی‌سی انجام داد، این طور گفت: کابوس‌های من پر هستند از کودکانی که دارند از گرسنگی می‌میرند و زمینی که مریض‌تر از آن است که بار دهد، از آبی زهرآلود که باید شفادهنده می‌بود و از دریاهایی که هرروز بیش از پیش بر ساحل‌هایمان می‌خزند و پیش می‌آیند.
پراکاش در همان سال جنبش طلوع را برای محافظت از منابع طبیعی مثل آب و هوا با استفاده از انرژی خورشیدی و ایجاد مشاغل پایدار بنا نهاد. این سازمان از زمان آغاز به کارش موفق به جمع‌آوری یک میلیون دلار برای این کار شده است.
https://www.globalcitizen.org/en/content/world-water-day-youth-activists-women/?template=next

زهرا گریزپا
کارشناسی ارشد ادبیات فارسی

(پروین)

شکستن‌های دل را خوب صیقل می‌دهم با اشک

الهه بیات مختاری از شاعران جوان و فعال است که مهرماه ۱۳۶۵ در مشهد متولد شده است. از سیزده‌سالگی سرودن شعر را آغاز کرده و در حوزه شعرهای آیینی بارها توانسته است در جشنواره‌های مختلف حائز رتبه‌های برتر شود. او در سال ۱۳۸۳ نفر اول جشنواره فرهنگی حوزه‌های علمیه کشور می‌شود. هم‌چنین منتخب کنگره کشوری علمدار، منتخب جشنواره فرهنگی هنری شهر بهشت، برگزیده جشنواره‌های استانی و کشوری شعر رضوی در سال‌های متوالی، منتخب شعر غدیر و جشنواره شعر امام‌علی، برگزیده کشوری شعر امام‌هادی و منتخب شعر منطقه‌ای دانشجویان شرق کشور بخشی از دستاوردهای ادبی این شاعر فعال و متعهد است. بیات مختاری در بیشتر قالب‌های شعری طبع‌آزمایی کرده است اما علاقه وافری به غزل دارد و بین دوستداران ادبیات، بیشتر یک شاعر غزل‌سرا شناخته می شود. طی سال‌ها فعالیت ادبی بارها اشعارش در مجموعه‌شعرهای برگزیده به چاپ رسیده و عضو هیئت مؤسس انجمن ادبی وقت شعر است. هم‌چنین چند سالی است به‌عنوان عضو شورای سیاست‌گذاری شعر استان خراسان در راه اعتلای ادبی شهر و استان می کوشد.

میان لحظه‌های خیس باران و اذان اینجا
اجابت می کنی چشم مرا از آسمان اینجا
رواق چادرم را می کشم روی سر گریه
دعا ابر است و باران اجابت بی کران اینجا
چه خلوت کرده‌ام این گوشه صحن انقلابم را
برای این همه آزادی از صحن جهان اینجا
سرم در ساعت نقاره‌ها سمت تو می چرخد
دلم بند است از زیبایی‌ات روی زبان اینجا
دو تا شمشاد قد افراشته در سایه گنبد
دو تا شاخ نبات آویخته از زعفران اینجا
زمین هم می‌نشیند روبه‌رویت سمت این قبله
و از روی ادب می‌ایستد حتی زمان اینجا
دل دیوانه‌ام را در امانات تو گم کردم
مرا این گونه پیدا کردی و دادی امان اینجا
اگر یک بار رفتم از حرم صد بار برگشتم
دلم جایی ندارد جز همین یک آستان اینجا
دلم مثل کبوترهای روی شانه گنبد
که می گیرند از دست امام خویش نان اینجا
چه غوغایی‌ست پشت پنجره هر کس گرفتار است
می‌آید می گذارد مشکلش را در میان اینجا
روایت می کند آین اشک‌ها شرح بیان‌ها را
که هر کس آمده دارد غمش یک داستان اینجا
شکستن‌های دل را خوب صیقل می‌دهم با اشک
میان خنده آیینه‌کاری‌های جان اینجا
دلیل روشن شب‌های پرنور خراسانی
به سمت ماه شب‌ها می گذارد نردبان اینجا
تمام این غزل یک مصرع از بیت بلند توست
رسید از گوشه چشم تو شعر شاعران اینجا

راه‌اندازی ۳۴۴ صندوق خُرد بانوان روستایی در استان خراسان رضوی

در راستای حمایت و توانمندسازی زنان ساکن در روستاهای استان، با تلاش صندوق کارآفرینی امید و جهاد کشاورزی استان و با پیگیری دفاتر زنان و خانواده استان خراسان رضوی، در ۲ سال اخیر، ۳۴۴ صندوق خرد زنان روستایی در استان ایجاد شده است. هدف از راه‌اندازی و توسعه این صندوق‌ها ایجاد بستری مناسب برای مشارکت زنان، ارتقای مهارت‌های فردی و اجتماعی از طریق برنامه‌های آموزشی، پس‌انداز در راستای تأمین مالی با پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه و ایجاد اشتغال متناسب با روستاست.

ضمیمه روزنامه شهرآرا
صاحب امتیاز:
شهرداری مشهد
مدیرمسئول
سید هادی فیاضی
سردبیر:
ارژنگ حاتمی
مسئول ضمیمه
حمیده وحیدی

شهرداد

پاسخ به پرسش‌های حقوقی

زهرا شوشتری
کارشناس حقوق

در این ستون به پرسش‌های حقوقی مخاطبان عزیز که با پیامک یا تلفن ثبت شده باشد پاسخ داده می‌شود. مخاطبان گرامی می‌توانند برای اطلاع بیشتر، با روابط عمومی شهرآرا به شماره ۳۷۲۸۸۸۸۱ تماس بگیرند یا به شماره پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹ پیام دهند.

آیا قولنامه دستی ملک بین زن و شوهر بدون شاهد اعتبار دارد؟

قولنامه دستی بدون امضای شهود هم دارای اعتبار قانونی است و درصورت صحت و انکار نشدن از سوی طرفین، به عنوان سند عادی مورد قبول است.

من کارمند رسمی دولت هستم. همسرم فوت کرده است. آیا حقوق او نیز بعد فوت به من می‌رسد؟

دریافت حقوق بازنشستگی یا مستمری حسب مورد توسط زوجه (زن) متوفی مانع از دریافت حقوق وظیفه یا مستمری متوفی (شوهر) نیست.

یکی از همسایه‌های ما نزدیک ۱۰ مرغ و خروس خریداری کرده است و با اینکه داخل خانه‌اش نگهداری می‌کند، صدای آن‌ها از صبح زود و همین‌طور رفت‌وآمد مکررشان جلو خودروها داخل کوچه آرامش را از همسایه‌ها گرفته است. خروس‌ها حتی وارد حیاط همسایه‌ها هم می‌شوند. چاره‌ای با حفظ آبرو و حق همسایگی برای رفع این مشکل وجود دارد؟

در چهارچوب ضوابط کیفری موجود، نگهداری حیوانات جرم نیست مگر اینکه برای دیگران ایجاد مزاحمت کند. منظور از مزاحمت این است که آرامش و آسایش همسایه‌ها سلب شود. اولین و بهترین راه برای حل مشکل صحبت و مصالحه بین طرفین است. در غیر این صورت، با وجود شرایط لازم، همسایگان حق شکایت دارند. طبق ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی قانون تملک آپارتمان‌ها نگهداری حیوانات در قسمت‌های مشترک ممنوع است زیرا قسمت‌های مشترک در مالکیت مشاع همه شرکای ملک است.

قسمت‌های مشاع ساختمان شامل راهروها، پاگردها، پشت‌بام و پارکینگ غیره است و چنانچه حیوان در قسمت‌های اختصاصی آپارتمان نگهداری شود، نباید برای همسایگان مزاحمت ایجاد کند یا بیماری منتقل کند. در این صورت، ساکنان حق شکایت دارند.

خانه ما با همسایه دیوار مشترک دارد. حالا همسایه می‌خواهد طبقه بالا را بسازد. کارشناس به ما گفته است امکان ریزش خانه ما وجود دارد. چه‌کار باید کرد؟ لطفا راهنمایی کنید. می‌ترسیم یکباره زیر آوار بمانیم.

به استناد مواد ۱۲۵ و ۱۳۴ قانون مدنی، می‌توان گفت هر یک از شرکای دیوار مشترک حق دارد در آن به طور متعارف و تا اندازه‌ای که مزاحم حق شریک دیگر نباشد تصرف کند. این گونه تصرف نیازی به موافقت شریک دیگر ندارد و حتی با منع او نیز این گونه تصرف مجاز است. در فرض سؤال، می‌توان ابتدا تأمین دلیل و ثبت نظریه کارشناس ساختمان و شهرداری و سپس دادخواست منع شریک را با توجه به خطرات موجود پیگیری کرد.

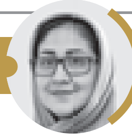

الهام یوسفی
فعال فرهنگی

شهرزاد

نگاهی به کتاب
«تاریخ اجتماعی زنان در عصر قاجار»

در کوچه‌پس‌کوچه‌های تاریخ با زنان روزگار قجری!

آنچه همواره به آن نیاز داریم آگاهی است! اگر قرار است ریشه معضلات و مسائل و مشکلات زنان امروز را دریابیم نمی‌توانیم با نگاه به وضعیت زنان دنیا و مقایسه شرایط آن‌ها با خودمان مسئله‌ای را حل کنیم. نمی‌توانیم با تکیه بر شعارها و بخشنامه‌ها درباره حرکت در مسیر پیشرفت زنان اقدام کنیم! آنچه به آن نیاز داریم نگاه تاریخی عمیق و دقیق درباره وضعیت زنان در گذشته ایران است، چیزی که می‌تواند امیدبخش باشد و به ما نشان دهد کجای این مسیر طولانی ایستاده‌ایم. افسوس که در این حوزه مطالعاتی، آثار اندکی وجود دارد. کتاب جدید نشر ثالث به نام «تاریخ اجتماعی زنان در عصر قاجار» می‌تواند نویدبخش تألیف آثاری تازه در این حوزه باشد. کتاب همان‌گونه که از نامش پیداست درباره تاریخ اجتماعی سخن می‌گوید، همان بخشی از تاریخ که معمولا در میان روایت‌های سیاسی تاریخ و سرگذشت حکومت‌ها از آن غفلت می‌شود. خانم سمیه سادات شفیعی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در این اثر پژوهشی توانسته است تا حد قابل قبولی تصویری روشن از برخی زوایای پنهان در زندگی زنان قاجار در جامعه ایرانی به ما نشان دهد، نیمه‌ای تاریک از تاریخ که معمولا به دلیل تعصبات یا کم‌اهمیت جلوه دادن آن، از دید پژوهشگران تاریخی هم پنهان مانده است. کتاب مجموعه‌ای از مقالات تاریخی، دقیق و مبتنی بر منابع است که درباره بخش‌های مختلف زندگی اجتماعی زنان عصر قاجار در ۱۱ فصل تدوین شده است و با عناوین جذاب و خواندنی، ما را به سفری شگفت در دل تاریخی پنهان می‌برد.

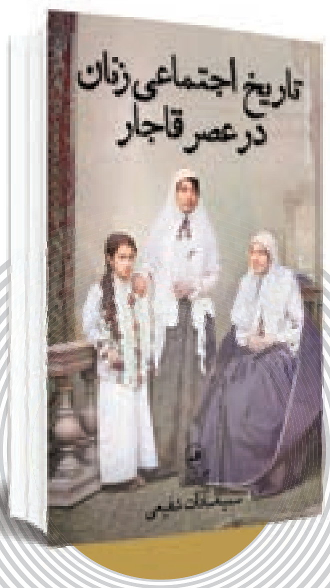

تاریخ اجتماعی زنان در عصر قاجار
• نویسنده: سمیه سادات شفیعی

جای افسوس است که مشابه این پژوهش درباره سایر دوره‌های تاریخی پیش از قاجار وجود ندارد یا بسیار اندک است. شاید بتوان علت اصلی آن را منابع محدودی دانست که از آن دوره‌ها در دسترس پژوهشگران قرار دارد. اما دوره قاجار به دلیل تنوع منابع و دسترسی آسان‌تر و ورود جریان‌های مدرن و تحولات اجتماعی بیشتر و نیز نزدیکی به زمان حاضر، از منظر پژوهشی دوره‌ای است که می‌تواند تا اندازه‌ای کلید حل معمای وضعیت زنان باشد.

با این کتاب در کوچه‌پس کوچه‌های داستان‌های نانوشته زنان قاجار قدم بزنید: از تعریف زنانگی خانواده و نظام جنسیتی تحصیل، ازدواج، مسائل مرتبط با ازدواج مثل جهیزیه، طلاق، مهریه و تجربه مادری در آن دوران تا اقلیت‌های زنان، تفکیک جنسیتی و همین‌طور نکات جذاب و خواندنی درباره نهاد شبستان، حوزه مصرف و فراغت زنانه، پزشکی، باورهای عامیانه، جرائم و مجازات‌ها، جراید و هویت زنانه و ارزش‌های زنان در عصر مدرن.

در فصل یازدهم کتاب هم می‌توانید عکس‌هایی از زنان دوره قاجار ببینید که اگرچه اندک و معمولا تکراری است، دیدنش خالی از لطف نیست. مقالات این کتاب را استادان و پژوهشگران مختلفی تألیف کرده‌اند و خانم شفیعی به عنوان یکی از نویسندگان، به این مجموعه مقالات نظم داده و از آن اثری کامل و خواندنی تهیه کرده است.

در پایان هر فصل، فهرست کامل منابع درج شده است. امیدواریم این پژوهش ارزشمند راهگشای فهم تاریخی مسئله زنان در جامعه ایرانی باشد و قدمی برای بیشتر دانستن و فهمی بدون تعصب و تنگ‌نظری درباره واقعیت زیست اجتماعی زنانه.